

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۷ مارچ ۲۰۱۲

## اوضاع کاری و معیشتی کارگران ایران

محیط‌های تولیدی – صنعتی برای کارگران ایران، دهشتناک و طاقت‌فرساست. عمق دهشتناکی آن را می‌توان به‌عین مشاهده نمود. ناامنی کاری، اخراج‌های بی‌رویه، فقدان وسائل ایمنی و کاری، لغو قراردادهای دائمی، کمی دست‌مزدها و متعاقباً عدم پرداخت آن‌ها از جانب کارفرمایان و صاحبان تولیدی و همه و همه مبین اوضاعیست که سرمایه‌داران وابسته، برای میلیون‌ها کارگر ایران ساخته‌اند. به بیانی حقیقی، زندگی در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی برای میلیون‌ها انسان ندار و از جمله یگانه طبقه تا به آخر انقلابی ناممکن شده است و رژیم جمهوری اسلامی هم بنابه منفعتش کمترین تعللی از خود در به یغما بردن دسترنج کارگران و منابع طبیعی مملکت به خرج نمی‌دهد. مگر بی دلیل است که بر فضای تمامی کارخانه‌ها، اعتصابات و اعتراضات کارگری حاکم گردیده است؟ مگر بی دلیل است که ابعاد تنفر و نارضایتی کارگران از دست سردمداران رژیم جمهوری اسلامی فزونی یافته است؟ شیره جان کارگران را مکیده‌اند و علناً دسترنج ناچیزش را بالا می‌کشند. کسی نیست تا به داد آنان برسد و سال‌هاست که اعتراض، اعتصاب و مخالفت‌ها به رویه روتین کارگران تبدیل گشته است و در عوض دهه‌هاست که رژیم جمهوری اسلامی هم بر سیاست بگیر و ببند و سرکوب آنان پای می‌فشارد.

این جامعه و دنیای کارگر نیست. این دنیای سرمایه و جامعه سودجویان و منفعت‌طلبان است و کمترین قربانی با دنیای انسانی و کارگران ندارد. کارگر به دنبال دنیا و جامعه خودی است و جانپان بشریت اجازه تنفس، اعتراض و اعتصاب از کارگران را سلب نموده‌اند و حقوق آنان را نمی‌دهند. به عنوان نمونه جمعی از کارگران «ذوب فولاد ملایر» دست به اعتصاب زدند و خواهان حقوق معوقه ۶ ماهه خویش‌اند و در مقابل جعفری مدیر کارخانه، وقیحانه و در مصاحبه‌ای می‌گوید که: "تنها ۴ ماه از حقوق کارگران پرداخت نشده است". به راستی که دنانند و پستی حامیان سرمایه را نمی‌توان با هیچ کلماتی توضیح داد. گرانی سرسام آور روزانه اقلام اولیه زندگی، کمر میلیون‌ها کارگر را خرد نموده است و کارگر با دریافت حقوق به‌موقع خویش، قادر به رفع و رجوع نیازهای ابتدائی زندگی خود نیست و در عوض مدیر کارخانه اعلام می‌کند که فقط ۴ ماه از حقوق کارگر عقب افتاده است!! این اوضاع

وخیمی است که به کارگران ایران تحمیل نموده‌اند و مسلم است که مشاهده چنین فجایع و بالا کشیدن‌هایی مختص این کارخانه و آن کارخانه، و یا توسط این مدیر و آن مدیر و صاحب تولیدی نیست.

البته که مدت‌هاست مبارزه به‌منظور دستیابی به حقوق معوقه، به یکی از اعتراضات کارگران تبدیل گردیده است و کارگران «کارخانه کاشی و سرامیک گیلانا» هم ۷ ماه است که هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند و حدود ۲۰۰ تن از کارگران «متروی مهرآباد» به دلیل عقب افتادن حقوق ۵ ماهه‌شان، دست به اعتصاب و اعتراض زدند و ۲۶ ماه است که ۴۰۰ تن از کارگران «شرکت مخابراتی راه دور شیراز» هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند. متأسفانه همه این‌ها در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که به دلیل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، قدرت خرید کارگران کاهش یافته است و در مقابل وزیر اقتصاد دولت احمدی‌نژاد مدعی‌ست که «قدرت خرید هشت دهک جامعه همچنان حفظ شد». علناً دروغ می‌گویند و بالا رفتن قیمت‌ها در جوامع سرمایه‌داری و از جمله جامعه وابسته ایران، دقیق‌ایست و در همان حال دولت‌مردان رژیم جمهوری اسلامی هم از «پایداری» و «ایستائی» دهک‌ها سخن به‌میان می‌آورند!! فقر و نداری‌ها در ایران آن‌چنان رو به بالاست که کمتر کسی قادر به کتمان و راست و ریز نمودن آن‌ها می‌باشد. تنش و شکاف طبقاتی به بالاترین حد ممکنه خود رسیده است و میزان فقر، از مرز ۸۰ درصدی گذشته است تا جایی‌که علی قنبری عضو سابق شورای عالی پول و اعتبار می‌گوید:

"در حالی‌که نرخ خط فقر در کلان شهرهای کشور بیش از ۸۰۰ هزار تومان بر آورد شد. میزان پایه حقوق دریافتی کارگران ۳۵۰ هزار تومان است". وی همچنین "از کاهش ۸۰ درصدی قدرت خرید جامعه کارگری کشور بر اثر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها (حذف سوبسیدها) خبر داد و انتقاد کرد".

بنابه چنین واقعیات تلخ و با وجود چنین ناهنجاری‌هایی چگونه کارگر می‌تواند چشم‌انداز زندگی بهتر را داشته باشد؟ جامعه‌ای که به دلیل مناسبات ناسالم حاکم بر آن، کمترین بونی از انسانیت و به رسمیت شناختن حقوق محرومان نبرده است؟ حاکمان ایران، به صدها دلیل روشن، مستحق یک‌لحظه حکومت‌داری نیستند؛ چرا که هدف و نیت‌شان چپاول و دربدری هر چه بیشتر کارگران و توده‌های ستمدیده است. کار و باری به چگونگی زندگی کارگران ندارند و همواره در فکر به بند کشیدن و استثمار هر چه بیشتر آنانند. نظام جمهوری اسلامی با بالا کشیدن دست‌مزد‌های ناچیز کارگران و با اخراج سازی‌های بی‌رویه در صدد تأمین منافع طبقه سرمایه‌دار است. اخراج‌هایی که تمامی ندارد و بنابه نوشته نهادهای تبلیغی تا کنون بیش از ۴۷۰ کارگر کارخانه «آتش سو» از تولید کنندگان لوازم گازسوز تبریز را به بهانه‌های متفاوت اخراج نموده‌اند و همچنین اخراج کارگران کارخانه‌های «کود شیمیائی ماکرو» به مرز ۱۰ هزار نفر رسیده است. مازاد بر این‌ها و اخیراً ۶۰۰ تن از کارگران «روغن نباتی نازگل»، وابسته به گروه صنعتی مدلل از کار بیکار شده‌اند و به خیل میلیونی بیکاران پیوسته‌اند و در تداوم می‌باید بر بیکارسازی ۵ هزار نفری کارگران «ایران خودرو تبریز» توسط صاحبان تولیدی و سرمایه‌داران افزود تا کمی بیشتر به عمق فاجعه در پیش روی زندگی کارگران پی بُرد.

به راستی که مشکل کارگر در زیر حاکمیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست. جدا از مبارزه برای کسب دست‌مزد‌های معوقه، میداین استثمار فاقد پائین‌ترین امکانات ایمنی است و روزانه جان کارگر را می‌گیرد. به طور مثال سه کارگر «نقاش ساختمانی مه‌آباد» بعد از اتمام کار، شب را در محل کار می‌گذرانند و به دلیل گاز گرفتگی جان خود را از دست می‌دهند. همچنین بنابه گفته رضائی رئیس کانون شوراهای کار استان یزد، "علی محمدحسین بیگی در هنگام تعمیر دستگاه کاردینگ، دست خود را از ناحیه آرنج از دست می‌دهد که پیرو این حادثه در بیمارستان افشار یزد مورد درمان و پیوند دست قرار می‌گیرد؛ اما متأسفانه تلاش مثمر فایده نبوده و او

فوت می‌کند". مضافاً این‌که پای یکی از کارگران در اثر مونتاژ دستگاه جرثقیل قطع شده است و عباس کلاکوئی مدیر عامل «سازمان قطار شهری» در این زمینه تأکید نموده است:

"این جرثقیل بسیار بزرگ است و به‌همین دلیل برای جابه‌جایی آن باید برخی قطعات آن را باز کرد و دوباره در محل جدید مونتاژ شود. در این حادثه به دلیل وجود مشکل جزئی در یکی از قطعات، آن قطعه رها شده و روی پای راست یکی از کارگران شرکت کسیون سقوط کرد" و پای راست وی از ناحیه بالای زانو قطع شد. بی‌گمان این‌ها گوشه‌هایی هر چند کوچک از سیمای واقعی اوضاع کاری و معیشتی کارگران ایران است. ساعات کار را افزایش می‌دهند، حقوق‌ها را پائین می‌آورند و از دادن دست‌مزد های ناچیز و تعیین شده سر باز می‌زنند، بی‌امکانی و وسائل ایمنی جان کارگران را می‌گیرند و علاوه بر همه این‌ها، سازمان‌های دولتی و حراست کارخانه‌ها هم، در راستای منافع صاحبان تولیدی و سرمایه‌داران، کارگران معترض را مورد تهدید قرار می‌دهند. به‌عنوان مثال، حراست شرکت «پی‌وی‌سی مهدی‌شهر» کارگرانی را که یک‌سال است هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند، تهدید نموده است: "در صورت تداوم اعتراض‌شان به جرم اقدام علیه منافع ملی کشور تحت تعقیب قرار خواهند گرفت!!!"

بله! از منظر سرمایه‌داران، ارگان‌ها و نهادهای وابسته به آنان، سکوت کارگر پیرامون طرح خواسته‌های ابتدائی‌اش، به معنای "رشد و سازندگی مملکت" و همچنین اعتراض وی به‌منظور بازستانی حقوق معوقه‌اش، به معنای "اقدام علیه منافع ملی کشور" تلقی می‌گردد!! این‌ها تعاریف حقیقی سرمایه‌داران و کارفرمایان و صاحبان تولیدی از رشد و سازندگی مملکت و به رسمیت شناختن حقوق کارگران است. این خواست و سیاست‌هایی است که طبقات حاکم در پی آنند و مسلماً کارگر در چنین نظام‌هایی بی‌حقوق است و به تبع آن سرمایه‌داران به دنبال کارگر بدون حقوق و یا کارگر با دریافت حقوق پائین‌اند.

خادمی‌زاده، رئیس هیأت مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری در این‌زمینه می‌گوید: "۴۳ درصد از کارگران به صورت توافقی زیر نرخ مصوب شورای عالی کار دست‌مزد دریافت می‌کنند" و در ادامه یادآور شد: "کارگرانی که توسط شرکت‌های پیمانکاری در واحدهای تولیدی فعالیت می‌کنند ۳۰ الی ۳۵ درصد کمتر از نرخ مصوب شورای عالی کار دست‌مزد دریافت می‌کنند". یعنی این‌که حدوداً ۴۰ درصد از کارگران پیمانی با دریافت حقوقی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان مشغول به کاراند!

آیا با وجود چنین مناسبات ظالمانه‌ای می‌توان تصویری از کاهش فقر در درون جامعه را داشت؟ چگونه می‌توان با حقوقی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان، در جامعه‌ای زندگی کرد که بنابه گفته خودی‌های‌شان، خط فقر در کلان شهرهای کشور، از مرز ۱ میلیون تومان هم عبور نموده است؟ مگر بی دلیل است که فقر دامان بیش از ۸۰ درصد از کارگران را گرفته است و روز به روز هم بر دامنه‌ی آن افزوده می‌گردد.

در یک کلام اوضاع کنونی نمایانگر آن است که سرمایه در پی تخریب هر چه بیشتر زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش است و تا زمانی‌که بر فضای جامعه‌مان، مناسبات وابسته و گندیده چنگ انداخته است، اوضاع کاری و زندگانی توده‌های ستم‌دیده و به ویژه طبقه کارگر وخیم‌تر خواهد شد. چرا که پایه‌های روابط و مناسبات دنیای کنونی با استثمار و چپاول، و با سرکوب و غارت منابع طبیعی مملکت بنا ریخته شده است و بی‌تردید دنیا و ایران با وجود حاکمیت طبقه سرمایه‌داری، هرگز روی عدالت و نابودی استثمار و بردگی را نخواهد دید. در حقیقت جوامع کنونی نیاز به تغییر اساسی و بنیادی دارد و پر واضح است که دنیا و جامعه مدافع عدالت و محترم شمردن حقوق انسان‌هاست که از منافع یگانه طبقه تا به آخر انقلابی یعنی طبقه کارگر پیروی نماید. تنها در چنین جامعه و

مناسباتی است که ریشه فقر و نداری خشکانده خواهد شد و میلیون‌ها انسان محروم، دیگر شاهد هزاران بلای دست‌ساز سرمایه‌داران و حامیان ریز و درشت‌شان نخواهند بود.

مارچ ۲۰۱۲

اسفند [حوت] ۱۳۹۰